

Provide a Teaching Model Based on Emotional Intelligence in Higher Education

Javad Kohan Sal Jajarm: PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

Mahboubeh Soleimanpour Omran*: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

Roya Afrasiabi: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

Abstract: The purpose of this study was to design a teaching model based on emotional intelligence in higher education in Khorasan provinces (North, Razavi, South). This research was conducted with a mixed exploratory approach (qualitative and quantitative). The community was in the qualitative part of the faculty members of higher education in Khorasan provinces (North, Razavi and South). Sampling method was available and the sample size reached 15 people after reaching the theoretical saturation. The statistical population in a small part included undergraduate students of all fields in higher education in Khorasan provinces. The sample size was 350 based on Cochran's formula. Data collection in the qualitative section was done through in-depth and semi-structured interviews and qualitative findings were obtained by content analysis method and LISREL software. Data collection was quantitative through a researcher-made questionnaire consisting of 26 items and 5 factors, the content validity of which was evaluated and confirmed by citing faculty members and its reliability using Cronbach's alpha coefficient of 0.75. Then a questionnaire was distributed and after collection, the data were analyzed using SPSS software. One-sample t-test was used to identify the components, factor analysis was used for the proposed model. The results showed that the proposed model of teaching based on emotional intelligence has 5 factors; Self-knowledge is emotional interaction, collective relations, self-management and self-motivation. Which together explain 77% of the total variance of the teaching structure based on emotional intelligence.

Keywords: teaching, emotional intelligence, classroom management.

***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

Email: m.pouomran@gmail.com

مقدمه

تعلیم و تربیت فراگیران در هر نظام آموزشی در چرخه‌هایی از فرایند تدریس و یادگیری تحقق می‌یابد. بطوریکه تحت تأثیر افکار سنتی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، انتظار می‌رود بیشترین میزان یادگیری و تغییرات رفتاری دانشجویان در هنگام تدریس شکل بگیرد. لازمه این امر توجه به امر کیفیت روش تدریس به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های برنامه درسی است، تا با در نظر گرفتن مؤلفه‌های کیفیت آموزشی ابزاری مفید برای ایجاد یادگیری با معنا در یادگیرندگان باشد (مرادی دولی‌سکانی و محمدی مهر، ۱۳۹۹ به نقل از عابدی، ۱۳۹۶). مقوله‌ی ارتقای کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش دنیا در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵ بیش از ۷۰ سازمان تخصصی این حوزه در ۴۸ کشور جهان ایجاد شده است که یکی از مهم‌ترین روش‌های ارتقای کیفیت آموزش، ارزیابی کیفیت تدریس است که اصلی‌ترین روش آن ارزشیابی مستمر آموزش از طریق دانشجویان است (تروونگادوم^۱، ۲۰۱۶). بنابراین یکی از مقوله‌های مهم در اعتبار سنجی^۲ و رسالت مهم دانشگاه‌ها یعنی تحقق امر یادگیری موثر، وابسته به امر کیفیت آموزش و تدریس می‌باشد. پژوهش درباره کیفیت تدریس در دانشگاه از جمله مهمترین مسائلی است که از یک سو بازخورد مناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی، تصمیم‌گیری‌های اساسی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در اختیار مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، مدرسان با آگاهی از کیفیت عملکرد خود در جریان تدریس قادر خواهند بود به اصلاح شیوه‌ها و روش‌های آموزشی، ارزشیابی آموزشی و در نتیجه افزایش کیفیت تدریس خود بپردازند (رزی و همکاران، ۱۳۹۶). کیفیت تدریس، آن چیزی است که دانشجویان و اعضای هیات علمی، آن را تدریس اثربخش می‌دانند که مؤلفه‌های کلی تدریس و یادگیری را در بر دارد (مارش و همکاران^۳، ۲۰۰۹). برخی دیگر بر این باورند که منظور از کیفیت بخشی تدریس، در واقع بررسی میزان موثر بودن فعالیت‌های تدریس است که شامل مهارت‌های تدریس،

شخصیت، رفتار در کلاس درس و توانایی علمی استاد می‌شود (پاک مهر و همکاران، ۱۳۹۱). تدریس اثربخش ساختاری پیچیده و چند جانبه دارد که چشم‌اندازهای متفاوتی را دربر می‌گیرد و بیشتر توسط مدرسانی استفاده می‌شود، که توانایی‌های گوناگونی دارند. مدرسان نه تنها باید نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی نمایند بلکه باید در ارتقا و بهبود آنها نیز تلاش نمایند و همه این فرایندها نهایتاً تغییری مثبت در یادگیری متعلمان ایجاد می‌نماید (سامری، ۱۳۹۷).

ویژگی‌های مدرس مؤثر و ویژگی‌های افراد دارای هوش هیجانی بالا در هم تنیده‌اند. این موضوع لزوم توجه به هوش هیجانی در تدریس را مطرح می‌کند. در واقع مدرسی که از سطح بالای هوش هیجانی برخوردار باشد نسبت به خود و فراگیران شناخت و آگاهی خوبی دارد و نقاط قوت و ضعف خود و فراگیرانش را می‌شناسد، از نقاط قوت و توانمندی‌ها در جهت تدریس بهتر استفاده می‌کند و در برطرف کردن نقاط ضعف و نقص‌ها کوشاست. چنین معلمی چون انگیزشی بالا دارد با شور و شوق تدریس می‌کند و نسبت به هر آنچه مرتبط با تدریس است تمایل نشان می‌دهد، شادمان، با دقت، و نوآور است. وی با کمک هوش هیجانی بالای خود به خوبی می‌تواند عواطف و احساس خود را کنترل کند و باعث می‌شود که فراگیران نیز بتوانند عواطف خود را مدیریت کنند. مدرس با هوش هیجانی بالا به واسطه حس همدلی که دارد احساس فراگیر را می‌فهمد و به آن احترام می‌گذارد و در نهایت این که وی از آنجا که مهارت‌های اجتماعی بالا و روابط بین فردی قوی دارد به درستی با فراگیران ارتباط برقرار می‌کند، شنونده فعالی است و در برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی موثر توانمند می‌باشد؛ مسؤلیت‌پذیر است و حس همکاری بالایی دارد. بنابر مطالب پیش گفت انتظار می‌رود که وجود رفتارهای ناشی از بالا بودن هوش عاطفی در یک مدرس، تدریس اثر بخش را به ارمغان آورد که

¹-Teeroovengadam

²-Accreditation

³-Marsh et al

برای تسریع روند پذیرش و اتخاذ، ضروری است که یادگیری خودمحور انجام شود. اما خود انگیزشی، یکی از عناصر مهم هوش هیجانی و همینطور خودآگاهی و بینش در کارمندان BSP پایین است. برای کاهش نقاط ضعف استراتژی‌هایی پیشنهاد شده است. بهاندارکار^۶ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود با عنوان تاثیر شبکه های اجتماعی بر عملکرد آموزش دانشجویان پزشکی مشغول به تحصیل به این نتیجه رسیدند که شبکه های اجتماعی تاثیری منفی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی قرن ۲۱ ام دارند. هونکاسیلتا^۷، وهکاکوسکی^۸ و وهماس^۹ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان تحلیل روایی از استراتژی های واکنش آموزگاران در مدیریت کلاس درس از زبان دانش آموزان دارای تشخیص اختلال کم توجهی - بیش فعالی به این نتیجه رسیدند که پنج الگوی مختلف روایت به دست آمد که در آنها رفتار آموزگار تحت عنوان: نامتناسب، آسیب زا، سهل انگار، تبعیض آمیز و بادرایت ارزشیابی گردید. خط داستانی غالب که در چهار الگوی نخست دیده می شود، متعاقباً منجر به ارتکاب به تخلف در راوی گردیده و عکس العملی توجیه شده در برابر منش آموزگار به وجود آورده است. چرخه معیوب استراتژی های سرکوب گرانه در مدیریت کلاس درس و فرهنگ سرزنشگری در میان دانش آموزان و آموزگاران نیز به بحث گذاشته شده است.

پژوهش حاضر از دو جنبه نظری و عملی دارای ضرورت و اهمیت است. از لحاظ نظری، نتایج حاضر، دانشی را در رابطه با شرایط فعلی آموزش عالی و دانشگاه ها از نظر دانشجویان و اساتید و اعضای هیات علمی فراهم می سازد. با استفاده از فن پژوهش کیفی مشکلاتی که در آموزش عالی و دانشگاه ها وجود دارد را تا حدودی روشن می کند و تکمیل کننده پژوهش های پیشین و فراهم کننده زمینه - هایی برای پژوهش های آتی در رابطه با تدریس اثربخش

هدف اساسی در تعلیم و تربیت می باشد (میتشل و برادشویا^۴، ۲۰۰۷).

پژوهش های مختلفی پیرامون هوش هیجانی و تدریس در مطالعات داخلی و خارجی انجام شده است. عوض پور مشیری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین بازی های رایانه ای و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول ناحیه یک کرمان به این نتیجه رسید که بین بازی های رایانه ای و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم ولی معکوس برقرار است به طوری که با افزایش انجام بازی های رایانه ای پیشرفت تحصیلی کاهش می یابد. همچنین نتایج نشان داد بین هوش هیجانی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه ای مثبت و معناداری برقرار است. حسینی بافقی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان مدل یابی هیجان های تدریس معلمان بر مبنای فعالیت های اجتماعی تدریس و مهارت های هیجانی - اجتماعی معلمان به این نتیجه رسید، معلمانی که دارای مهارت های هیجانی - اجتماعی هستند و از عهده فعالیت های اجتماعی تدریس برمی آیند، هیجان - های مثبت بیشتری را تجربه می کنند و در نتیجه رابطه مثبتی با دانش آموزان خود دارند. بنابراین برای ارتقای هیجان های مثبت و تنظیم هیجان های منفی، معلمان به فعالیت های اجتماعی تدریس و مهارت های هیجانی - اجتماعی در برقراری رابطه مؤثر با دانش آموزان و کنترل موقعیت های استرس زا نیاز دارند. عبیدی حوریلر، پابویان و آواتسیان (۱۳۹۹). با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سرمایه اجتماعی با شایستگی حرفه ای: مطالعه اعضای هیأت علمی دانشگاه ها به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی و سرمایه اجتماعی بر شایستگی اساتید دانشگاه مؤثر هستند و بهتر است در سیاست گذاری های نظام دانشگاهی بیشتر به آنها توجه کرد. کاپیل بانسل^۵ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان مطالعه نسبی هوش هیجانی بر آموزش خود راهبر به این نتیجه رسیدند که

6-Bhandarkar

7-Honkasilta

8-Vehkakoski

9-Vehmas

4-Mitshel & Beratshev

5-Kapilbansel

استان های خراسان بود که از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر به دست آمد. گردآوری داده ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه های عمیق و نیمه ساختار یافته در قالب ۲ سوال بود و در بخش کمی نیز از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. این پرسشنامه دارای ۲۶ گویه و دارای طیف پاسخ دهی ۴ گزینه ای: خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد بود. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط متخصصان و اعضاء هیات علمی حاصل شد. برای تعیین میزان پایایی این پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ با کمک نرم افزار SPSS استفاده شد که بر این اساس، میزان پایایی پرسشنامه برابر ۰/۷۵ است. برای تحلیل داده های کیفی پژوهش از طریق تحلیل مضمون (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) استفاده شد. در بخش کمی، با توجه به پرسش های پژوهش و برای تعیین روابط بین متغیرها و ضرایب اهمیت آنها از روش های آمار توصیفی و استنباطی بهره برده شد. و برای رتبه بندی مولفه ها از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد. در این قسمت نیز، از نرم افزار های SPSS و لیزرل ۸/۵۴ برای تحلیل داده ها استفاده شد.

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه میماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد. پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.TMU.REC.1400.085 ثبت شد.

یافته ها

در رابطه با بررسی مولفه های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی)، با تحلیل متن نظرات مصاحبه شونده ها و مطالعه مبانی نظری داخلی و خارجی جدید مربوطه، مولفه ها و گویه های مورد نظر تعیین و در جدول ۱ ارائه شده است.

مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی می باشد. به لحاظ عملی نتایج مطالعه حاضر می تواند به اساتید و اعضاء هیات علمی در جهت اجرای تدریس اثربخش در آموزش عالی کمک نماید. همچنین نشان دهنده واکنش نظام آموزش عالی به تغییرات تدریس طی دهه های گذشته می باشد. یکی دیگر از راهکارهای تاثیر این پژوهش، مساله موفقیت و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان که از مهم ترین دغدغه های هر نظام آموزشی است، می باشد. دانشجویان مهم ترین عامل شناخته شده در دانشگاه ها، به عنوان مهم ترین ارزیاب تدریس اثربخش اساتید محسوب می شود. و عدم توجه به این عامل آغاز بروز تمام مشکلات محسوب می شود. لذا با توجه به اهمیت مساله ای که ذکر شد و با توجه به بافت متفاوت دانشگاه ها با سایر سازمان ها، ضرورت دارد ابعاد و مولفه های تدریس اثربخش و هوش هیجانی شناسایی گردد تا دانشگاه ها در یک محیط پویا و به صورت اقتضایی بهتر بتوانند از طریق داشتن الگوی تدریس اثربخش مبتنی بر هوش هیجانی، به یک دانشگاه کارآمد و پویاتر تبدیل گردند و اثربخشی خود را برای انجام ماموریت و رسالت مهمی که بر عهده دارند در راستای تحقق اهداف، امکان پذیر نمایند. بنابراین در این پژوهش تلاش می شود تا به این سوال پاسخ داده شود که «چه الگوی مطلوبی را می توان برای تدریس اثربخش مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی ارائه نمود؟»

روش کار

روش تحقیق این پژوهش آمیخته (کیفی و کمی) و از نوع اکتشافی بود. جامعه آماری در پژوهش کیفی اعضاء هیات علمی در رشته علوم تربیتی و دارای سابقه تدریس ۱۰ سال به بالا و کار پژوهشی در آموزش عالی استان های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) و مبانی نظری جدید داخلی و خارجی بود. روش نمونه گیری از جامعه افراد مذکور از نوع در دسترس بود و حجم نمونه با رسیدن به اشباع نظری به ۱۵ نفر رسید، مورد مطالعه قرار گرفت. در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری شامل دانشجویان کارشناسی تمام رشته ها در آموزش عالی

کای اسکور نسبی، شاخص برآزی تطبیقی، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد و شاخص برآزش هنجار شده، استفاده شد. همچنین بارهای عاملی مربوط به هر یک از ارتباطات در نمودار مربوطه ارائه گردید.

در رابطه با اولویت هر یک از مولفه‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی)، در ادامه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، برای اولویت بندی کردن ابعاد اصلی، به نتایج تحلیل عاملی کل برای هر یک از ابعاد اصلی در تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان‌های خراسان نقش دارند، پرداخته شده است.

همان گونه که جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی گویه‌های چارچوب پیشنهادی نهایی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی نشان می‌دهد، گویه‌های نهایی شده فرم کوتاه از دیدگاه اعضاء هیات علمی و شاخص‌های توصیفی چارچوب نهایی شده تدریس مبتنی بر هوش هیجانی ارائه گردید. گویه‌های چارچوب پیشنهادی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی، شامل مقادیر شاخص‌های مرکزی میانگین و انحراف معیار، کجی و کشیدگی گزارش شده است. در مرحله پایانی چارچوب پیشنهادی، با روش تحلیل عاملی مورد آزمون قرار گرفت. برای تعیین برآزش مدل از شاخص‌های

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی گویه‌های چارچوب پیشنهادی نهایی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی

Table 1: Descriptive Indicators of the Final Proposed Framework for Teaching Based on Emotional Intelligence in Higher Education

| شاخص | | | | مضامین پایه | سازمان دهنده |
|--------|-------|--------------|---------|------------------|--------------|
| کشیدگی | کجی | انحراف معیار | میانگین | | |
| ۰/۸۰ | -۲/۰۰ | ۱/۰۵ | ۳/۴۸ | آگاهی هیجانی | |
| ۰/۱۶ | -۱/۹۸ | ۱/۱۴ | ۳/۴۶ | خود ارزیابی صحیح | خودشناسی |
| -۰/۱۹ | -۱/۹۷ | ۱/۰۶ | ۳/۵۴ | خود باوری | |
| ۰/۶۱ | -۱/۶۳ | ۱/۲۰ | ۳/۳۵ | شناخت/درک دیگران | |
| -۰/۳۵ | -۱/۸۸ | ۱/۲۷ | ۳/۵۸ | بالندگی دیگران | تعامل عاطفی |
| ۰/۴۸ | -۱/۷۷ | ۱/۲۲ | ۳/۳۸ | خدمت مداری | |
| ۱/۰۰ | -۱/۰۰ | ۱/۲۱ | ۳/۲۷ | نقوذ گذاری | |
| ۰/۱۸ | -۱/۹۷ | ۱/۱۲ | ۳/۴۵ | ارتباطات | روابط جمعی |
| ۰/۵۳ | -۱/۷۲ | ۱/۱۵ | ۳/۳۷ | مدیریت تضاد | |
| ۰/۱۹ | -۱/۹۷ | ۱/۱۲ | ۳/۵۴ | خود کنترلی | |
| ۰/۴۹ | -۱/۷۶ | ۱/۲۵ | ۳/۳۸ | وظیفه شناسی | خودمدیریتی |
| ۰/۸۶ | -۱/۲۶ | ۱/۰۰ | ۳/۶۹ | قابل اعتمادی | |
| -۰/۳۳ | -۱/۸۹ | ۱/۱۴ | ۳/۵۸ | رشد گرایی | |
| ۱/۰۹ | -۰/۷۹ | ۱/۱۲ | ۳/۲۶ | تعهد | خودانگیزگی |
| ۱/۵۷ | ۰/۴۸ | ۱/۱۰ | ۳/۱۹ | ابتکار | |

بعد و بعد خودشناسی کم اهمیت ترین بعد از نگاه پاسخگویان هستند. در ضمن تمامی بارهای عاملی با مقادیر t که بیشتر از ۲ در سطح $P < 0.05$ معنادار هستند (حد نصاب معنی دار بودن این است که قدر مطلق t محاسبه شده بزرگتر از ۱.۹۶ باشد). همچنین مقدار

میزان همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بعد روابط جمعی با بارعاملی ۰.۹۰۱ بیشترین ضریب تاثیرگذاری و بعد خودشناسی با بار عاملی ۰.۷۱۸ کمترین ضریب تاثیرگذاری را در طراحی الگوی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی دارند، در واقع بعد روابط جمعی مهمترین

سوال سوم پژوهش: مدل تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان‌های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) چگونه است؟

قابل توجهی از واریانس عوامل مربوطه را برآورد می‌کنند (مقدار ضریب تعیین یا R2 بین ۲۳ تا ۵۰ درصد).

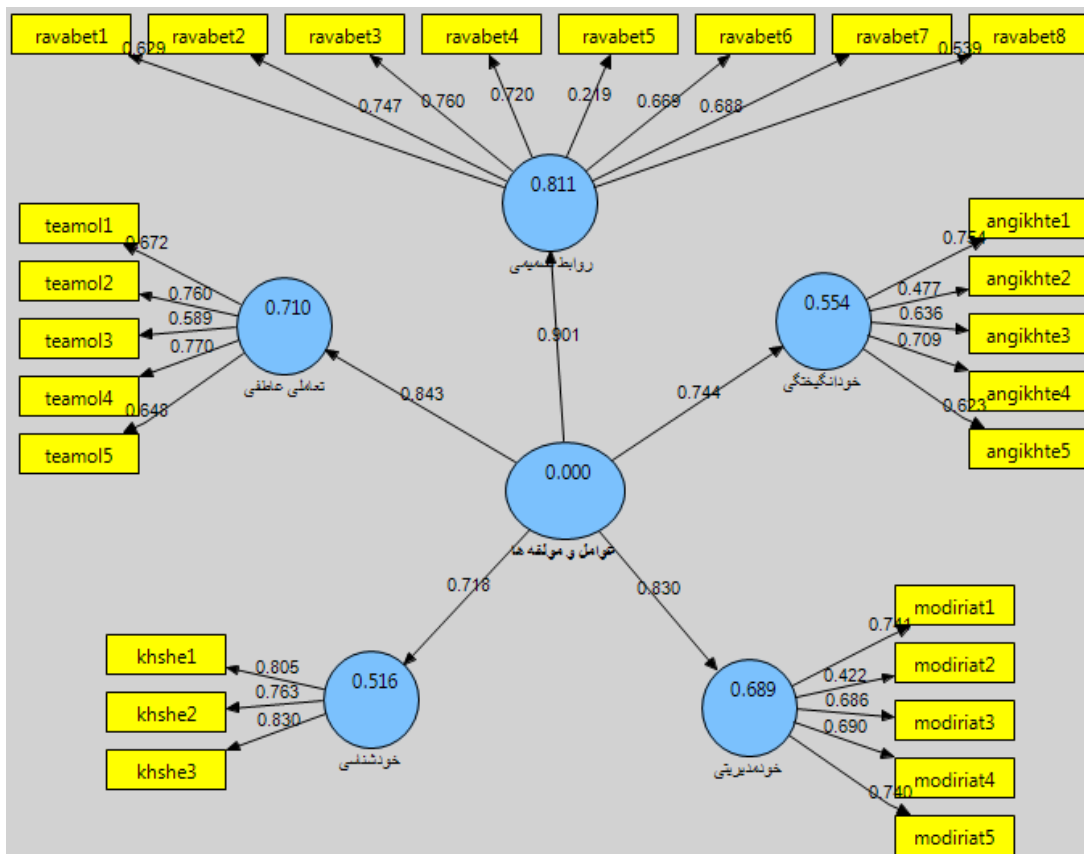
جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی کل، هر یک از ابعاد شناسایی شده در تدریس مبتنی بر هوش هیجانی

Table 2. The results of total factor analysis, each of the identified dimensions in teaching based on emotional intelligence

| ردیف | بعد | بار عاملی استاندارد | ضریب تعیین R2 | آماره t | نتیجه |
|------|--------------|---------------------|---------------|---------|--------------|
| ۱ | خودشناسی | ۰.۷۱۸ | ۰.۵۱۶ | ۳۱.۰۲۲ | معنی دار است |
| ۲ | تعامل عاطفی | ۰.۸۴۳ | ۰.۷۱۰ | ۶۱.۹۳۵ | معنی دار است |
| ۳ | روابط جمعی | ۰.۹۰۱ | ۰.۸۱۱ | ۹۷.۰۳۰ | معنی دار است |
| ۴ | خود مدیریتی | ۰.۸۳۰ | ۰.۶۸۹ | ۵۸.۹۸۷ | معنی دار است |
| ۵ | خود انگیختگی | ۰.۷۴۴ | ۰.۵۵۴ | ۲۷.۵۳۲ | معنی دار است |

عالی استان‌های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) نشان داده می‌شود.

در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از تحلیل عاملی اکتشافی و تعیین اولویت هر یک از ابعاد و مولفه‌های موجود در تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش



شکل ۱. چارچوب پیشنهادی اعتبار سنجی نهایی شده برای تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی

Figure 1. Proposed final validation framework for emotional intelligence-based teaching in higher education

شاخص های برازش مدل به شرح مقابل هستند: درجه آزادی ۲۴۰، کای اسکور نسبی ۲/۶۷، شاخص برازش تطبیقی ۰/۹۳، شاخص برازش تطبیقی مقتصد ۰/۶۴، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد ۰/۰۷ و همچنین شاخص برازش هنجار شده ۰/۹۴.

جدول ۴. مقادیر بارهای عاملی مفهوم مولفه‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی

Table 4. Amounts of factor loads the concept of teaching components based on emotional intelligence

| سطح معناداری | بار عاملی | مضامین سازمان دهنده | سطح معناداری | بار عاملی | مضامین فراگیر |
|--------------|-----------|---------------------|--------------|-----------|---------------|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۰ | مضمون ۱ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۶ | مضمون ۲ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۱ | خودشناسی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۳ | مضمون ۳ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۷ | مضمون ۴ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۶ | مضمون ۵ | ۰/۰۰۱ | ۰/۸۴ | تعامل عاطفی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۵۸ | مضمون ۶ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۲ | مضمون ۹ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۴ | مضمون ۱۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۹۰ | روابط جمعی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۶ | مضمون ۱۱ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۴ | مضمون ۱۷ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۲ | مضمون ۱۸ | ۰/۰۰۱ | ۰/۸۳ | خودمدیریتی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۸ | مضمون ۱۹ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۵ | مضمون ۲۲ | | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۷ | مضمون ۲۳ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۴ | خودانگیزگی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۳ | مضمون ۲۴ | | | |

این مدل همه پنج مولفه بر همدیگر کنش دارند و یک مدل تعاملی را نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، طراحی الگوی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان های خراسان (شمالی، رضوی، جنوبی) بود. این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی و کمی) انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی دارای ۵ عامل؛ خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیزگی می باشد. که مجموعاً ۷۷ درصد از کل واریانس سازه تدریس مبتنی بر هوش هیجانی را تبیین می کنند.

نتایج بدست آمده از یافته‌های این پژوهش به ترتیب سوالات پژوهش عبارتند از: جدول شمار ۲ نشان می‌دهد که از دید اعضاء هیات علمی در آموزش عالی استان‌های خراسان؛ خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی،

همانطور که در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل عاملی در مجموع بیانگر این است که برازش داده‌ها به مدل برقرار است، به عبارت دیگر همه شاخص‌ها در دامنه مطلوب ودلالت بر مطلوبیت مدل عاملی مفهوم تدریس مبتنی بر هوش هیجانی دارند. شکل شماره ۱ چارچوب پیشنهادی اعتبارسنجی نهایی شده برای تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی را در قالب پنج مولفه خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیزگی نشان می‌دهد. اجزای تشکیل دهنده این شکل‌ها، برون دادی از مبانی نظری و آزمون‌های آماری این پژوهش است. در پایان، این مدل وارد نرم افزار لیزرل گردید و بار عاملی هر یک از گویه‌ها بر روی مولفه مربوطه (مطابق جدول ۵) به تفکیک سنجیده شد. باتوجه به شکل ضمیمه نتایج بررسی مدل و آزمون‌های تعیین برازش مدل حاکی از این است که مدل ارائه شده از برازش خوبی برخوردار است. در

خودمدیریتی و خودانگیختگی، مولفه‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی می‌باشد که مولفه روابط جمعی وزین ترین مولفه تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان‌های خراسان شناسایی شد. همچنین یافته‌های پژوهش با توجه به جدول ۴ با نتایج تحقیق حسینی بافقی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان مدل‌یابی هیجان‌های تدریس معلمان بر مبنای فعالیت‌های اجتماعی تدریس و مهارت‌های هیجانی-اجتماعی معلمان به این نتیجه رسید، معلمانی که دارای مهارت‌های هیجانی-اجتماعی هستند و از عهده فعالیت‌های اجتماعی تدریس برمی‌آیند، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه رابطه مثبتی با دانش آموزان خود دارند. بنابراین برای ارتقای هیجان‌های مثبت و تنظیم هیجان‌های منفی، معلمان به فعالیت‌های اجتماعی تدریس و مهارت‌های هیجانی-اجتماعی در برقراری رابطه مؤثر با دانش آموزان و کنترل موقعیت‌های استرس زا نیاز دارند، همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیختگی مؤلفه‌ها تدریس مبتنی بر هوش هیجانی شناخته شدند که بیشترین نقش را اعضای هیات علمی با بکارگیری هریک از این مؤلفه‌ها در جریان تدریس دارد که می‌تواند باعث افزایش انگیزه در یادگیری دانشجویان گردد، بدین منظور ضروری است که اعضای هیات علمی با استفاده نمودن متغیرهایی از جمله بیان روشن، استفاده از روش‌های آموزشی متنوع، تسلط بر موضوع درس، داشتن رابطه خوب با دانشجو، وضعیتی را بوجود می‌آورد که باعث تسهیل در یادگیری می‌شود. هر قدر مدرس از نظر علمی در زمینه بحث مورد تدریس توانمند باشد بعلاوه وسعت اطلاعات، توجه فراگیران را به سهولت به سوی خود جلب می‌کند و یک ارتباط مؤثر بین مدرس و فراگیرانش برقرار می‌شود. برقراری ارتباط خوب و جهت دار میان مدرس و فراگیران در ایجاد علاقمندی و سازش بهتر و کاهش تنشها و مشکلات در کلاس درس تاثیر بسزایی دارد زیرا مدرسی که علاقمند به توسعه ارتباط با

فراگیرندگان خود می‌باشد علاوه برآنکه گوینده خوب و فعالی در کلاس درس است، شنونده خوبی نیز هست و بدین ترتیب ارتباط را دوطرفه و پایدار می‌کند رفتار مدرس در قبال دانشجویان تا حدود زیادی سازنده جوی است که می‌تواند یادگیری را دلنشین و آسان یا به عکس، آن را خسته کننده و دشوار سازد. بنابراین، صمیمیت مدرس، رفتار گرم و احترامی که برای شخصیت دانشجو قایل می‌شود، می‌تواند تدریس را مؤثرتر سازد. بر اساس یافته‌های شکل ۱، اعضای هیات علمی آموزش عالی پنج مولفه؛ خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیختگی با به عنوان مولفه‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان های خراسان ارائه می‌گردد. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از پژوهش کاپیل بانسل^{۱۰} (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان مطالعه نسبی هوش هیجانی بر آموزش خود راهبر به این نتیجه رسیدند که برای تسریع روند پذیرش و اتخاذ، ضروری است که یادگیری خودمحور انجام شود. اما خود انگیزشی، یکی از عناصر مهم هوش هیجانی و همینطور خودآگاهی و بینش در کارمندان BSP پایین است. برای کاهش نقاط ضعف استراتژی‌هایی پیشنهاد شده است، مطابقت دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش با عقاید سلطان^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان شیوع، همبستگی‌های اجتماعی- جمعیتی و دانشگاهی اختلال وسواس جبری در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی کاربردی دانشگاه ام القری به این نتیجه رسیدند که وجود چنین اختلال احتمالا بر عملکرد تحصیلی، کیفیت زندگی و روابط بین فردی تاثیر می‌گذارد، شناسایی و درمان در زمان مناسب به بهبود عملکرد تحصیلی و کیفیت زندگی کمک می‌کند، همسو می‌باشد. موارد بررسی نشان می‌دهد که آموزش در کلاس درس به عناصر زیادی مثل تسلط بر مهارت‌های آموزشی و دانش تخصصی نیاز دارد. دانش و مهارت‌های آموزشی

¹⁰ Kapilbansel

¹¹ -Sultan

بالا در زمینه آموزش بخصوص تسلط بر خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیختگی از اثربخشی بالاتری در تدریس مبتنی بر هوش هیجانی برخوردار هستند بنابراین سرلوحه تدریس قرار دادن مدل پیشنهادی در آموزش عالی می‌تواند شیوه آموزش را از راهبردهای سنتی خارج نموده و منجر به اثربخشی تدریس و همچنین رشد تواناییهای خلاق در دانشجویان گردد. در نهایت باید گفت که بهبود تعلیم تربیت و در هرکشوری مبتنی بر کیفیت تدریس معلّم و استوار نمودن نقش مدرس به عنوان مدیر آموزش کلاس در درس است پس، لازم است برنامه‌های مختلف آموزشی و کلاس‌های ضمن خدمت جهت آموزش مدل تدریس مبتنی بر هوش هیجانی برای مدرسان از طرف مسئولین امر تدبیر شود. تا مدرسانی توانمند و حرفه‌ای در امر تدریس داشته باشیم.

از جمله نقاط قوت پژوهش حاضر می‌توان به جامع، کاربردی و بروز بودن موضوع پژوهش اشاره کرد. همچنین از نقاط ضعف پژوهش می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به اعضای هیات علمی و دانشجویان کارشناسی آموزش عالی استان‌های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) اشاره کرد و پیشنهاد می‌شود این پژوهش با همین موضوع در جوامع دیگر نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

References

- Ajay M. (2021). Bhandarkar, Arvind Kumar Pandey, Ramya Nayak, Kailesh Pujary, Ashwini Kumar. Impact of social media on the academic performance of undergraduate medical students. *Medical Journal Armed Forces India*. Vol.77 – No 1 P.41.
- Awadpour Moshiri Q. (2021). Investigating the Relationship between Computer Games and Emotional Intelligence with Academic Achievement of First Grade Male Students in District One of Kerman. *Quarterly Journal of New*

مکمل یکدیگرند. اعضای هیات علمی موثر نه تنها باید دارای مهارت‌های تخصصی باشند بلکه باید توانایی ارائه درس، سازماندهی و ارزیابی را نیز داشته باشند. تسلط اعضای هیات علمی بر جنبه‌های مهارت‌های خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خودانگیختگی می‌تواند از خصوصیات یک تدریس اثربخش باشد. در جنبه خودشناسی؛ ویژگی‌های آگاهی اجتماعی، خود ارزیابی صحیح، خودباوری، در جنبه تعامل عاطفی؛ ویژگی‌های شناخت/درک دیگران، بالندگی دیگران، خدمت‌مداری، هدایت‌تنوع، آگاهی سیاسی، در جنبه روابط جمعی؛ ویژگی‌های نفوذگذاری، ارتباطات، مدیریت تضاد، رهبری، تسریع تغییر، پیوندسازی، تشریح مساعی و مشارکت، ظرفیت‌های گروهی، در جنبه خودمدیریتی؛ ویژگی‌های خود مهارگری، وظیفه‌شناسی، قابل اعتمادی، انطباق‌پذیری، نوآوری، در جنبه خودانگیختگی؛ ویژگی‌های تحول‌گرایی، تعهد، ابتکار، خوش بینی، کنش‌های اخلاقی به عنوان مهمترین شاخص‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی شناخته شده است. به کارگیری مولفه‌های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی، پیش از هر چیز در یافتن کمبودها و جبران نواقص آموزشی موثر است؛ چرا که این امر تصویری نسبتاً جامع از کیفیت آموزشی آموزش عالی ارائه می‌دهد و منجر به تقویت نقاط قوت موجود در کیفیت تدریس اعضای هیات علمی خواهد شد. در کیفیت تدریس، تدریس و یادگیری به معنای انتقال و تکرار دانش نیست. بلکه کیفیت تدریس ایجاد شرایطی است که هم دانشجویان و هم اعضای هیات علمی فعال هستند و به طور اساسی در ایجاد دانش مشارکت دارند و به عنوان افراد انسانی رشد خواهند کرد. چنین فرایندی بنابراین باعث تامین نیازهای پیشرفته روحی، هیجانی، اجتماعی و روحانی در دانشجویان خواهد شد.

نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این نکته است که اعضای هیات علمی در آموزش عالی استان‌های خراسان با توجه به رشته تخصصی خود و به سبب داشتن اطلاعات

- Emotional Intelligence and Social Capital with Professional Competence: A Study of University Faculty Members. *Social Psychology Research*, Vol.39 – No.1 P.22.
- Pak Mehr H, Jafari Thani H, Saeedi Rezvani M & et al. (2012). The role of teachers 'teaching quality and its components in the development of students' critical thinking: opportunities and challenges of higher education curriculum. *Educational Psychology Studies*. Vol.9 – No.16 Pp.38.
- Samari M. (2018). Providing an effective teaching model for university professors based on artificial neural network analysis. *Journal: Education and Evaluation*. Vol.11 – No.44 Pp.79-102.
- Tafraji A & Yousefi F. (2021). The relationship between emotional intelligence and mental vitality: The mediating role of self-compassion. *Journal of Psychological Sciences*, Vol.20 – No.98 Pp.294-283.
- Teeroovengadum T Ashley K. (2016). Measuring service quality in higher education: Development of a hierarchical model (HESQUAL). *Qual Assuran Educ*. Vol.24 –No.2 Pp.244-258.
- Zari J, Imam Jome M, Ahmadi Gh. (2017). Extracting the dimensions of effective teachers in order to provide a conceptual framework for effective teacher education, training and accreditation. Vol.1 – No.1 Pp.13-43.
- Approach in Educational Sciences*, Vol.3 – 1 Pp.91-85.
- Haqqani F, Aminian B & Genghis T. (2011). Do professors who are exemplary in the eyes of students: have higher emotional intelligence? *Center for the Study and Development of Medical Education*, Vol.7 No.2 Pp.140-132.
- Hosseini Bafghi N (2020). In a study entitled Modeling Teachers 'Teaching Emotions Based on Teachers' Social Teaching Activities and Emotional-Social Skills. *Journal of Teacher Professional Development*, Vol.5 – No.3 Pp.77-63.
- Juho Honkasilta, Tanja Vehkakoski, Simo Vehmas (2020). 'The teacher almost made me cry' Narrative analysis of teachers 'reactive classroom management strategies as reported by students diagnosed with ADHD. *Teaching and Teacher Education*. Vol.55 - Pp.100-109.
- Kapil Bansal. (2021). A relative study of emotional intelligence on self-directed learning. *Journal homepage, Materials Today: Proceedings*. Vol.1 – No.4.
- Marsh HW, Muthén B, Asparouhov T & et al. (2009). Exploratory Structural Equation Modeling, Integrating CFA and EFA: Application to Students 'Evaluations of University Teaching. *Structural Equa Model*; Vol.16 – Pp.439–476.
- Mitchell M, Hall J. (2007). Teaching spirituality to student midwives: A creative approach. *Nurse Education in Practice*. Vol.7 – No.6 Pp.416-424.
- Moradi Doliskani M & Mohammadi Mehr M. (2020). Investigating the relationship between professional ethics and teaching quality among professors of Army University of Medical Sciences. *Journal: Education Strategies in Medical Sciences*. Vol.13 – No.3 Pp.143-150.
- Obidi Horiller L, Paboyan, Va & Avatsian H. (2020). The Relationship between

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی
سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰

ارائه الگوی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی

جواد کهن سال جاجرم: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

محبوبه سلیمان پور عمران*: گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

رویا افراسیابی: استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

چکیده: هدف از این پژوهش، طراحی الگوی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی در آموزش عالی استان‌های خراسان (شمالی، رضوی، جنوبی) بود. این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی و کمی) انجام گرفت. جامعه در بخش کیفی اعضای هیات علمی آموزش عالی استان‌های خراسان (شمالی، رضوی و جنوبی) بودند. روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود و حجم نمونه با رسیدن به اشباع نظری به ۱۵ نفر رسید. جامعه آماری در بخش کمی شامل دانشجویان کارشناسی تمام رشته‌ها در آموزش عالی استان‌های خراسان بودند. و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر به دست آمد. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته انجام شد و یافته‌های کیفی با روش تحلیل مضمون و به وسیله نرم افزار لیزرل حاصل شد. گردآوری داده‌ها در بخش کمی از طریق پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۲۶ گویه و ۵ عامل بود که روایی محتوایی آن با استناد به نظر اعضای هیات علمی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷۵ ارزیابی و مورد تایید واقع شد. سپس پرسشنامه توزیع شد و پس از جمع‌آوری، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. از آزمون t تک نمونه برای شناسایی مولفه‌ها، از تحلیل عاملی برای مدل پیشنهادی استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی تدریس مبتنی بر هوش هیجانی دارای ۵ عامل؛ خودشناسی، تعامل عاطفی، روابط جمعی، خودمدیریتی و خود انگیختگی می‌باشد. که مجموعاً ۷۷ درصد از کل واریانس سازه تدریس مبتنی بر هوش هیجانی را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: تدریس، هوش هیجانی، مدیریت کلاس درس.

***نویسنده مسؤول:** گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

m.pouomran@gmail.com